نشریه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
دوره ۱۴، بهـار ۱۴۰۲، شماره ۵۰
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات ۱۴۶ ـ ۱۲۹

Scientific Journal
The History Of Islamic Culture and Civilization
Vol. 14, Spring 2023, No. 50
Scientific Research Article

علل گرایش به تحجر در عرب جاهلی و خوارج با تکیه بر عقل و داده‌های تاریخی

حسین مصطفوی‌زاده* / جواد سلیمانی** / سید آیت‌الله احمدی شیخ شبانی***

چکیده

تحجر یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی به کمالات انسانی و اجتماعی است. انسان مبـتلا به تحجر، با دادن رنگ تقدس و جاودانگی به برداشت‌های محـدود و نـاقص خـویش، در مقابل هرگونه سخن حق و استدلال متقنی که در تقابل با عقاید و اندیشه‌های وی است، مقاومت و ایستادگی می‌کند. همین امر سبب گردیده است تا این نـوع تفکـر بـه‌عنـوان پدیده‌ای شوم در مسیر رشد و بالندگی فرد و جامعه در تمام ادوار مختلف تـاریخی و در بین اقشار مختلف جامعه، شناخته شود. شناخت علل گرایش به تحجر یکی از مهم‌ترین مسائل در پیشگیری و مبارزه با تفکر متحجرانه است. از آنجا که این نـوع تفکـر در بـین بخشی از افراد جامعه در عصر نبوی و علوی نیز ظهور و بروز یافت. این پژوهش با هـدف پاسخ به این سوال که علل گرایش به تحجر؛ بر اساس عقل و داده‌های تاریخی پیرامـون عرب جاهلی و خوارج چیست؟ نگاشته شد. لذا در این پژوهش علل گرایش انسان‌ها بـه تحجر در دو دسته روانی و فکری ـ عقیدتی با تکیه بر عقل و داده‌های تاریخی به صورت خاص عرب جاهلی و خوارج تبیین شده است. پژوهش حاضر بـا بهـره گیـری از اسـناد کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی، صورت گرفته است. بر اساس داده‌هـایی کـه در این پژوهش به‌دست آمد لجاجـت، تصـلب و انعطـاف‌ناپـذیری و برخـی سـوگیری‌هـای شناختی و ترک تفکر و عقلانیت، پیروی از ظن و حس‌گرایی، از جمله علل و زمینه‌های گرایش به تحجر در جهت روانی، عقیدتی و فکری به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی

تحجر عرب جاهلی، تحجر خوارج، علل گرایش به تحجر.

---

*. دانش‌پژوه رشته سیره پیامبراعظم صلی الله علیه و آله سطح ۴ موسسه امام رضا علیه السلام؛ دانشـجوی دکتـری رشـته سـیره پیـامبراعظم صلی الله علیه و آله جامعه المصطفی العالمیه و پژوهشگر موسسه شناخت (نویسنده مسئول). mos.hossin@gmaill.com
**. دانشیار گروه تاریخ موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله.
***. دکتری مدرسی معارف گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه باقر العلوم علیه السلام، پژوهشگر مؤسسه شناخت.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴

مقدمه

تحجرگرایی در گستره تاریخی، آفات و آثار زیان‌بار فراوانی به‌دنبال داشته است. به‌عنوان نمونه در عهد نبوی و علوی، متحجران سبب مشکلات فراوانی برای جامعه شدند. مطالعه عملکرد آنها در عصر این دو معصوم، گواهی است بر اینکه حقیقت‌ها و اهداف والایی تاکنون قربانی افکار متحجران شده است. همچنین، حکومت‌ها و تمدن‌های متعددی را در طول تاریخ می‌توان نام برد که با اندیشه‌های متحجران زمان خویش، به ورطه نابودی و ذلت افتادند و مظلومیت‌ها و محرومیت‌های فراوانی برای جامعه بشری به‌همراه آوردند. در طول حیات انقلاب اسلامی نیز امام خمینی‌ﷺ و مقام معظم رهبری بارها خطر تحجر و گرفتار شدن در دام تفکر متحجرانه را به مردم و مسئولان نظام، گوشزد کرده‌اند.

فهم علل گرایش به تحجر در ابعاد مختلف در پیشگیری از تحجر و درمان فرد و جامعه‌ای که گرفتار تحجر گردیده است نقش به‌سزایی دارد و در پژوهش‌هایی که تاکنون با محوریت تحجر نگاشته شده پاسخی به سؤال اصلی این پژوهش داده نشده است، لذا ضرورت انجام پژوهشی مستقل پیرامون آن مورد تأکید قرار گرفت. در این پژوهش برای رسیدن به این هدف، داده‌های تاریخی پیرامون عرب جاهلی و خوارج با هدف کشف علل گرایش آنها به تحجر مورد مطالعه قرار گرفت و در نهایت این علل در سه دسته روانی، فکری ـ عقیدتی و فرهنگی ـ اجتماعی دسته‌بندی گردید.

مفهوم‌شناسی واژه تحجر

باتوجه‌به اهمیت مفهوم تحجر در این پژوهش، این واژه از منظر لغت و اصطلاح و قرآن تبیین خواهد شد و در نهایت مفهوم مختار از تحجر و قیود آن تبیین خواهد شد.

تحجر از حجر به‌معنای سنگ، در لغت به‌معنای «مثل سنگ سخت شدن و سخت گردیدن؛ خشک شدن و تصلب و تحجر مفاصل است»؛[1] و تحجر در اصطلاح این‌گونه بیان شده است: «جمود و انعطاف‌ناپذیری متعصبانه و جاهلانه در یک اعتقاد و استنباط و برداشت خاصی از مکتب که به‌موجب آن هر فکر و اندیشه نو و حرکت و پدیده جدید، نوعی بدعت به‌شمار می‌آید و در مقابل آن جبهه‌گیری می‌شود».[2]

واژه تحجر در قرآن نیامده است،[3] اما آیاتی در قرآن آمده که مفهوم تحجر در آنها تبیین شده است؛

---

۱. دهخدا، ***لغت‌نامه***، ج ۴، ص ۵۶۵۹.

۲. جمعی از نویسندگان، ***دین و دینداری در عصر حاضر***، ص ۸۸ ـ ۸۷.

۳. در زمینه مفهوم‌شناسی تحجر در قرآن، ر.ک: سرخوندی، ***بررسی مفهوم تحجر و قشری‌گری در قرآن و نهج‌البلاغه***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، ۱۳۸۹.

به‌عنوان نمونه آیه۷۴ سوره بقره[۱] به این معنا تصریح می‌کند که قلوب بعضی مانند سنگ، سخت می‌شود. لذا می‌توان گفت تحجر پیشینه‌ای قرآنی دارد و استعمال اولیه آن در اندیشه اسلامی، به قرآن کریم باز می‌گردد. همین امر سبب گردیده سید قطب در کتاب خود، تحجر را این‌گونه تعریف کند: تحجر در اصطلاح قرآن، به معنی امتناع انسان از پذیرش حق و روی‌گردانی از خداوند است که به قلب انسان نسبت داده می‌شود.[۲]

معنای تحجر و متحجر در این پژوهش

تحجر: تفکر همراه با جمود، قشری‌گرایی، تعصب، و ارتجاع را گویند. اگر این نوع تفکر همراه با افراط باشد، به آن دگم‌اندیش می‌گویند. متحجر فردی است که دچار جمود بر اندیشه‌های قشری، همراه با تعصب و ارتجاع شده است. چنین انسانی با دادن رنگ تقدس و اطلاق جاودانگی به برداشت‌های محدود و ناقص خویش، قالب‌گرا می‌شود و در نتیجه با هر فکر و رأیی که با باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهایش در تضاد است، مخالفت می‌کند و فقط افراد و گروه‌های هم‌فکر خود را تأیید می‌کند. این فرد در اثر این نوع تفکر ـ که همراه با محدودیت‌های ذهنی و معرفتی است ـ «واپس‌گرا» و در برابر حقایق، انعطاف‌ناپذیر می‌گردد. اگر تمام قیودی که برای فرد متحجر ذکر گردید، در فردی به‌صورت افراطی شکل گیرد، به او دُگم می‌گویند.[۳]

تبیین قیود چهارگانه تحجر

۱. قشری‌گری

قشری‌گری در لغت: کسی که تنها به ظواهر قرآن و حدیث و اوامر و نواهی گوش دارد و تأویل و قیاس و امثال آن را در امر دین روا ندارد و از کلمه «ظاهری» گاه همین معنی را اراده کنند.[۴]

قشری‌گری در اصطلاح: ویژگی کسی است که در پیروی از مسائل دینی، فلسفی، یا امور دیگر، فقط به ظاهر آنها توجه دارد و از هدف و محتوای آن غافل است و درعین‌حال بر دریافت خود تعصب می‌ورزد.[۵]

---

۱. ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً.

۲. و القلب الذي لا ترده الشدة إلي اللّه قلب تحجر فلم تعد. (سید قطب، ***فی ظلال القران***، ج ۲، ص ۱۰۸۹)

۳. سلیمانی، «تحجرگرایی و راهکارهای امام علی‌ﷺ در تحجرزدایی»، ***مبلغان***، شماره ۹۵، ص ۱۶ ـ ۸.

دگماتیسم: به افراد متحجر، متعصب، جزم‌گرا، کوته‌فکر، دارای جمود فکری و مقاوم در برابر هر نوع نقد و تغییر گفته می‌شود (سلیمی، ***پدیده دگماتیسم دینی ـ مذهبی و مواجهه با آن از منظر قرآن و روایات***، پایان‌نامه ارشد، دانشکده اصول الدین، ص ۳۱.

۴. دهخدا، ***لغت‌نامه دهخدا***، واژه قشر.

۵. انوری، ***فرهنگ بزرگ سخن***، ج ۶، ص ۵۵۳۷.

۲. جمود

جمود در لغت یک معنای حقیقی دارد که شامل بی‌حرکت، انجماد آب، لخته و خشک شدن خون می‌شود؛ و معنای مجازی آن‌که شامل خشک‌مغزی و افسردگی است.[۱]

جمود در اصطلاح: جمود، نوعی محدودیت ذهنی و معرفتی، و نداشتن اندیشه پویا و سیّال است.[۲]

۳. تعصب

تعصب در لغت: از ریشه «عصب» به‌معنای پیوندهای مفاصل است.[۳]

تعصب در اصطلاح: طرف‌داری بیش از حد از شخص، گروه، یا امری است یا دشمنی بیش از حد با آنهاست.[۴] در قرآن کریم از این واژه به «حمیت جاهلی»[۵] تعبیر شده است.

۴. ارتجاع

ارتجاع در لغت: از ریشه «رجع» و به‌معنای بازگشت و بازگرداندن به وضعیت پیشین[۶] است.

ارتجاع در اصطلاح: مخالفت با تغییر و نوآوری در جامعه، همراه با تقدیس قوانین و سنت‌های گذشته است. ارتجاعی نیز ویژگی کسی است که ضمن پایبندی به قوانین و سنت‌های گذشته، با دگرگونی و پیشرفت جامعه مخالفت می‌کند و آنچه را متناسب با گذشته است، بر نظام و اصول نو و مترقی ترجیح می‌دهد.[۷]

علل گرایش به تحجر

علل و زمینه‌های متعددی در گرایش افراد جامعه به سمت تحجر مؤثرند که این عوامل را می‌توان در دو دسته روانی و فکری ـ عقیدتی بیان کرد. پیش از بیان علل و زمینه‌ها، تذکر این نکته لازم است که میزان تأثیر این موارد در ایجاد و گرایش به تحجر به‌حسب شرایط و افراد، متفاوت است.

---

۱. همان، ج ۳، ص ۲۱۸۷.

۲. دانش، «موانع معرفتی رشد علم در حوزه علمیه قم»، ***نشریه حوزه***، ش ۱۵۰، ص ۱۳۳ ـ ۹۶.

۳. راغب اصفهانی، ***المفردات فی غرایب القرآن***، ج۲، ص ۶۰۴؛ همان، ج۱، ص ۶۰۳؛ ابن‌منظور، ***لسان العرب***، ج ۱، ص ۶۰۲.

۴. انوری، ***فرهنگ بزرگ سخن***، ج۳، ص۱۷۸۷؛ ابن‌منظور، ***لسان العرب***، ج ۱، ص ۶۰۲، ذیل واژه عصب.

۵. حمیت به‌معنای خشم و غضب، نشئت‌گرفته از تعصب به خانواده و نزدیکان است. (همان، ج ۱۴، ص ۱۹۹) حرارت و تعصب به خانواده و نزدیکان نیز از معانی حمیت است. (مصطفوی، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، ج ۲، ص ۲۸۹)

۶. ابن‌منظور، ***لسان العرب***، ج ۵، ص ۱۴۹.

۷. همان، ج ۱، ص ۳۱۴.

۱. علل و زمینه‌های روانی

۱ـ۱. لجاجت و سرکشی در پذیرش حق

یکی از علل مهم روانی که انسان را به‌مرور گرفتار تحجر می‌کند، لجاجت و سرکشی در مقابل پذیرش حق است. عملکرد عرب جاهلی و سران قریش، نمونه بارزی بر این ادعاست. خداوند متعال در آیات۹۰ تا ۹۳ سوره اسراء و در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره حجرات به این روحیه مشرکان مکه اشاره کرده است. در منابع تاریخی نیز گزارش‌های متعددی مانند آنچه در مورد «عبدالله بن ابی‌أمیه» نقل شده است؛ بازگوکننده این است که لجاجت دلیل عدم ایمان آوردن آنان به پیامبراکرمﷺ بود.[۱] امیرالمؤمنینؑ نیز در خطبه قاصعه ضمن بیان معجزه‌ای از پیامبر خداﷺ لجاجت و سرکشی سران قریش را در پذیرش حق، تبیین کرده‌اند.[۲] لجاجت خوارج بر حکمیت در جریان جنگ صفین و نپذیرفتن سخنان و ادله امام علیؑ شاهد دیگری بر این مدعاست. امام علیؑ در احتجاج با خوارج نیز لجاجت در مقابل کلام حق را دلیل گرفتار شدن آنها بیان می‌کند: «من شما را از این حکمیت نهی کردم، ولی با سرسختی مخالفت کردید، تا به دلخواه شما کشانده شدم. شما ای سبک‌سران، و بی‌خردان، ای ناکسان و بی‌پدران، من که این فاجعه را به بار نیاوردم و هرگز زیان شما را نخواستم (زیرا امام همواره با حکمیت مخالف بود)».[۳] این شواهد، دلیلی است بر اینکه افراد لجوج ـ درحالی‌که حرف حق را تشخیص می‌دهند و می‌دانند وظیفه آنها چیست، بر نافرمانی و نپذیرفتن حق اصرار دارند ـ در اثر لجاجت در برابر پذیرش حق، گرفتار تحجر می‌گردند.

۱ـ۲. تصلب و انعطاف‌ناپذیری شناختی

انسان متصلب،[۴] هر اندیشه و باور مخالف با آنچه را نزد وی مقبول است، باطل می‌داند، بدون اینکه آرا و نظریات مخالف را بشنود و درباره آنها فکر کند.

تصلب در اثر انعطاف‌ناپذیری شناختی در این‌گونه افراد شکل می‌گیرد. انعطاف‌پذیریِ شناختی[۵] به

---

۱. ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۳، ص ۵۰.

۲. در این خطبه به تفصیل یکی از معجزات پیامبراکرمﷺ و لجاجت قریشیان بعد از دیدن معجزه نبوی تبیین شده است.

۳. سید رضی، ***نهج‌البلاغه***، خ ۳۶.

۴. با توجه به اینکه تصلب در لغت به‌معنای سخت و محکم شدن است، تصلب به شکل مجزا به‌عنوان عامل تحجر ذکر شد. تصلب فکری بدین معناست که انسان احتمال خطا ندهد و احتمال درستی هم برای فکر مقابل قائل نشود و این غیر از لجاجت است.

۵. «انعطاف‌پذیری شناختی، توانایی تغییر آمایه‌های شناختی به‌منظور سازگاری با محرک‌های در حال تغییر محیطی است؛

افراد توانایی پذیرش افکار نو و تغییر در دیدگاه‌ها را می‌دهد؛ اما افرادی که از انعطاف‌پذیری کمتری برخوردار هستند، به‌سختی می‌توانند یادگیری‌های اولیه خود را فراموش کنند. آنها بر یادگیری‌های قبلی خود که چه‌بسا پیامدهای منفی برایشان دارد، پافشاری می‌کنند.[۱] محققان عوامل بیرونی همچون شرایط نامساعد اجتماعی ـ اقتصادی، بیماری‌های روانی والدین، بدرفتاری، فقر شهری، خشونت در جامعه، و حوادث مصیبت‌بار زندگی را از اسباب کاهش انعطاف‌پذیری در افراد ذکر کرده‌اند.[۲] تاریخ عرب جاهلی مؤیدی بر این مطلب است. چراکه در دوره جاهلیت به‌لحاظ اقتصادی و فرهنگی و سیاسی در شرایط بدی می‌زیستند.

به شهادت گزارش‌های تاریخی، در آستانه ظهور اسلام، در بین قریش تنها هفده نفر سواد داشتند.[۳] به‌صورت کلی کتابت در بین عرب عیب به‌شمار می‌آمد. مجموعه این عوامل سبب گردیده بود این عرب دچار روحیه‌ای انعطاف‌ناپذیر گردند و در مقابل هرگونه تغییر و تحول که مخالف آداب و رسوم فرهنگ جاهلی بود، مقاومت کنند. در نتیجه، دچار تصلب در فکر در قبال باورهای موروثی آبا و اجدادی خویش شدند و همین امر عاملی برای تحجرگرایی آنان در عصر بعثت گردید.

۱ـ۳. سوگیری‌های شناختی

سوگیری‌های شناختی[۴] از عواملی هستند که در فرایند ادراک و پذیرش اطلاعات، تأثیرگذارند. با دقت در مفاهیمی که به‌عنوان سوگیری شناختی ذکر شده‌اند، می‌توان گفت که برخی از این مفاهیم در گرایش شخص به تحجر و تقویت روحیه تحجر نقش بسزایی دارند. لذا در این قسمت باتوجه‌به ویژگی‌های تحجر، سوگیری‌های دخیل در شکل‌گیری و تقویت آن را ذکر می‌کنیم.

یعنی توانایی‌هایی مانند تغییر دیدگاه یا سازگاری انطباقی فرد با قوانین، تقاضاها یا شرایط محیطی جدید. انعطاف‌پذیری شناختی همچنین به‌عنوان توانایی فرد در بازداری از یک پاسخ غالب اما ناکارآمد و نامناسب و توانایی دستیابی به پاسخ‌های جایگزین دوردست‌تر تعریف می‌شود» (پژوهی‌نیا و دیگران، «تبیین مشکلات روانی مبتنی بر انعطاف‌پذیری شناختی و تمایزیافتگی خود»، ***قبسات***، ش۳، ئص ۲۷ ـ ۱۸)

۱. همان.

۲. خشوعی، «انعطاف‌پذیری از دیدگاه روان‌شناسی تحولی»، ***پژوهش‌نامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد***، ش۱۹، ص ۹۳ ـ ۶۱.

۳. بلاذری، ***فتوح البلدان***، ص ۴۷۳.

۴. سوگیری شناختی، به‌نوعی توجه در پردازش اطلاعات گفته می‌شود که به‌واسطه آن افراد به برخی از محرک‌های پیرامون بیشتر توجه می‌کنند و برخی دیگر را نادیده می‌گیرند. به‌عبارت دیگر، سوگیری شناختی نوعی برتری‌گزینی سازمان‌یافته در توجه و پردازش محرک‌های محیطی می‌باشد. (بیرامی و دیگران، «سوگیری شناختی پردازش اطلاعات هیجانی در افراد مضطرب، افسرده و عادی»، ***فصلنامه روانشناسی شناختی***، ش۴، ص ۶۰ ـ ۵۱)

۱ـ۳ـ۱. سوگیری‌های دخیل در ارتجاع

چهار سوگیری اعتقادگرایی،[۱] لنگر انداختن،[۲] محافظه‌کاری[۳] و فروپاشی‌انگاری[۴] را می‌توان به‌عنوان علل گرایش شخص به ارتجاع ذکر کرد.

در این سوگیری‌ها با وجود تفاوت در تعریف، اطلاعات پیشینی مورد توجه فرد است. این سوگیری‌ها اطلاعات پیشینی فرد را تأیید می‌کنند لذا ذهن وی تنها استدلال‌هایی را تأیید می‌کند که با باورهایش سازگار است؛ بی‌آنکه حتی منطقی بودن دلایل را در نظر بگیرد. هر چقدر این سوگیری‌ها در ذهن فرد بیشتر تقویت شود، تحجر در آن شخص نهادینه‌تر خواهد شد؛ تا حدی که خداوند متعال در مورد برخی متحجران به پیامبرش می‌فرماید: پند و اندرز برایشان سودی ندارد.[۵] نمونه بارز این مسئله، برخی سران قریش و عرب جاهلی بودند. برخی از این افراد در تقابل با آیات الهی، با بیان اینکه این مطالب با اندیشه پدران آنها در تضاد است،[۶] از پذیرش آنها سر باز می‌زدند. این افراد از یک سو، اعتقاد ویژه‌ای به افکار و اندیشه‌های اجداد خویش داشتند؛ از دیگر سو در مواجهه با افکار و اندیشه‌های جدید، اولین مطلبی که برای تأیید یا رد آنها در ذهن‌شان ملاک قرار می‌گرفت، همان اندیشه‌های پدران‌شان بود. در کنار این دو مسئله، این افراد برای افکار پدرانشان تقدس ویژه‌ای قائل بودند و به‌هیچ عنوان، مخالفت با این اندیشه‌ها را در ذهن خویش تصور نمی‌کردند.

---

۱. سوگیری اعتقادگرایی (Belief Bias): تمایلی ذهنی است که در آن، فرد هر استدلال را باتوجه‌به باورپذیری نتایجش قضاوت می‌کند، ... به بیان دیگر، اعتقادگرایی باعث می‌شود فرد در ارزیابی استدلال‌های مختلف فقط به این نکته توجه کند که نتایج هر استدلال چقدر با باورها و اعتقادات شخصی وی همخوانی دارد. (رضائیان و دیگران، «الگوی مفهومی تصمیم‌گیری با رویکرد شناختی»، ***فصلنامه تازه‌های علوم شناختی***، ش۱، ص ۲۰ ـ ۱)

۲. سوگیری لنگر انداختن: نوعی سوگیری شناختی است که طی آن، ذهن در فرایند تصمیم‌گیری به نخستین اطلاعاتی که به‌دست می‌آورد، تکیه می‌کند. ذهن در اطلاعات اولیه یا قسمتی از آن گیر می‌افتد و زحمت جست‌وجوی بیشتر را به خود نمی‌دهد. (همان)

۳. محافظه‌کاری (Conservatism): نوعی سوگیری شناختی است که ذهن اطلاعات و شواهد قدیمی را بر اطلاعاتی که تازه به‌دست آورده، ترجیح می‌دهد. در فرایند تصمیم‌گیری و قضاوت وقتی پای محافظه‌کاری در میان باشد، ذهن وزن بیشتری برای داده‌هایی که از پیش داشته قائل می‌شود و به شواهد جدید اهمیتی نمی‌دهد (صانعی، «۲۲ سوگیری شناختی و خطای ذهنی (روانی) در کمین مدیران». جهت مطالعه به لینک ذیل مراجعه کنید:
http://karokarafarini.ir

۴. فروپاشی‌انگاری (Declinism): نوعی سوگیری شناختی است که ذهن گرایش به گذشته‌نگری مثبت و آینده‌نگری منفی دارد و بر این باور است که یک جامعه یا نهاد رو به زوال است. (رضائیان و دیگران، «الگوی مفهومی تصمیم‌گیری با رویکرد شناختی»، ***فصلنامه تازه‌های علوم شناختی***، ش۱، ص ۲۰ ـ ۱)

۵. نساء، ۱۰.

۶. بقره، ۱۷۰.

۱ـ۳ـ۲. سوگیری‌های دخیل در جمود و تعصب

سوگیری‌های خودمحور،[۱] اثر هاله‌ای یا خطای هاله‌ای،[۲] پشیمان‌گریزی،[۳] ادراک گزینشی،[۴] پشتیبانی از انتخاب،[۵] نقطه کور تعصب،[۶] جهت‌گیری تأییدی،[۷] مغلطه هزینه غرق‌شده[۸] و منفی‌نگری[۹] را می‌توان به‌عنوان علل شکل‌گیری و گرایش شخص به جمود و تعصب ذکر کرد.

در تمام این سوگیری‌ها تأکید بیش از حد بر اطلاعات و داده‌های موجود در ذهن شخص، زمینه را برای تعصب و جمود فراهم می‌کند. این افراد به‌واسطه این سوگیری‌ها به‌حدی برای اندیشه‌های خویش ارزش و اعتبار قائل هستند که به خودرأیی و خودمحوری گرفتار می‌شوند. مطالعه عملکرد و اندیشه‌های افراد ذی‌نفوذ در جریان‌هایی همچون عرب جاهلی و قریش، خوارج، تکفیری‌ها، سازمان منافقین، جریان انحرافی و ... دلیل بر «خودرأیی و خودمحوری» آنهاست.[۱۰] به‌عنوان نمونه ابوجهل و عتبهٔ بن ربیعه که هر دو از سران قریش بودند، با شناختی که از پیامبر داشتند، تردیدی در صداقت حضرت نداشتند؛ اما

---

۱. سوگیری خودمحور (Self-Serving bias): گرایش به ارزش‌گذاری بیش از اندازه بر رفتارها، تفکرات، برداشت‌ها و اعتقادات شخصی خود در برابر واقعیت است. طبعاً در این حالت، شخص اعتمادی بیش از اندازه به خود در برابر دیگران دارد و به‌نوعی دچار خودشیفتگی در برداشت‌ها می‌شود که باعث گرایش دارای سوگیری به همه مسائلی است که از خودش صادر شده است. (رضائیان و دیگران، «الگوی مفهومی تصمیم‌گیری با رویکرد شناختی»، ***فصلنامه تازه‌های علوم شناختی***، ش۱، ص ۲۰ ـ ۱)

۲. اثر هاله‌ای یا خطای هاله‌ای: به نوعی خطا در شناخت و تصمیم‌گیری گفته می‌شود که تحت تأثیر ذهنیت قبلی قضاوت‌کننده شکل می‌گیرد و می‌تواند منصفانه باشد یا از حقیقت و انصاف دور باشد. تأثیر خطای هاله‌ای می‌تواند در قضاوت‌کننده، بسته به تصویر ذهنی قبلی او، مثبت یا منفی باشد (همان).

۳. پشیمان‌گریزی: دوری از تأسف و پشیمانی، یک پدیده احساسی است که بیشتر وقت‌ها موجب می‌شود افراد از پذیرش اشتباه‌های خویش پرهیز کنند. (همان)

۴. ادراک گزینشی (Selective perception): نوعی سوگیری شناختی است که ذهن هر آنچه را درست می‌پندارد، دریافت می‌کند و هرچه را مخالف پندارد، نادیده می‌گیرد. در این فرایند فرد اطلاعات را گزینشی دریافت می‌کند. به زبان ساده فرد تصویر را آن‌طور که دوست دارد می‌بیند، نه آن‌گونه که واقعاً هست. (همان)

۵. پشتیبانی از انتخاب (supportive bias ـ Choice): نوعی سوگیری شناختی است که ذهن تمایل دارد به گزینه‌ای که انتخاب کرده، ویژگی‌های مثبتی نسبت دهد. (همان)

۶. نقطه کور تعصب (Bias blind spot): یک سوگیری شناختی است که فرد تعصب را در قضاوت‌های دیگران تشخیص می‌دهد، اما در قضاوت‌های خودش نه. (همان)

۷. جهت‌گیری تأییدی (Confirmation bias): در این سوگیری، افراد بلافاصله به اطلاعات و دانشی تمایل پیدا می‌کنند که پیش‌فرض‌ها، دریافت‌ها و باورهایشان را تأیید می‌کند. به زبان ساده، جهت‌گیری تأییدی یعنی تمایل شخص به پذیرش باورهایی خاص. (همان)

۸. مَغلَطِه هزینه غرق شده (The Sunk cost fallacy): این سوگیری به اجتناب از ترک کردن چیزی به این دلیل که بر روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، تعریف می‌شود. (همان)

۹. منفی‌نگری (Negativity bias or effect): نوعی سوگیری شناختی است که ذهن وزن بیشتری برای اخبار و اطلاعات منفی قائل می‌شود، حتی اگر نسبت اطلاعات منفی و مثبت یکسان باشد.

۱۰. دلشاد تهرانی، «ممیزات خوارج و خارجی‌گری در نهج‌البلاغه»، ***پژوهش‌های نهج‌البلاغه***، ش ۴۴، ص ۴۰ ـ ۷.

برای‌شان بسیار گران آمد که فردی برخلاف آنچه مورد قبول آنهاست، سخن بگوید و دعوی نبوت کند.[۱] وقتی أخنس بن شریق از ابوجهل درباره پیامبر اعظمﷺ می‌پرسد، ابوجهل در جواب وی می‌گوید: «بدانید که بنی‌عبدمناف که قبیله محمد هستند، با ما که قریش هستیم، پیوسته در شرف و بزرگی در حال رقابت و نزاع بودند و ما در هر منصب که ایشان تصدی نمودند، با ایشان مقابله می‌کردیم؛ تا آنجا که ایشان در هیچ امری بر ما فضیلت و تقدم نداشتند ... چنان‌که در همه اعمال نیک و حسنه، ما با ایشان متساوی بودیم و با یکدیگر برابر و مساوی بودیم؛ تا اینکه محمد را با ادعای پیامبری آوردند و او با ادعای وحی، مردم را به دین خود دعوت کرد تا ما نتوانیم با ایشان مقابله کنیم و شرف و فضل ایشان بر ما ظاهر شود. اکنون به خدا که من هرگز به محمد ایمان نیاورم، حتی اگر سرم را ببرند».[۲] این سخن به‌خوبی بیانگر این مطلب است که یکی از علل تحجر برخی سران قریش، چیزی جز تعصب و جمود نبود.

نمونه دیگر، فردی به نام ذوالخُویصره، از اصحاب پیامبر اکرمﷺ بود که در جریان تقسیم غنایم غزوه هوازن، در اعتراض به شیوه تقسیم غنایم، به پیامبرﷺ گفت: «ای محمد عدالت پیشه کن! همانا تو عدالت را رعایت نمی‌کنی».[۳] وی در دوره حکومت امیرالمؤمنینؑ، یکی از سران خوارج بود که در جنگ نهروان شرکت کرد و کشته شد.[۴]

۱ـ۳ـ۳. سوگیری‌های دخیل در قشری‌گرایی

سوگیری‌های «اعتمادبه‌نفس کاذب»،[۵] «اثر دانینگ کروگر»[۶] و «هم‌پوشانی‌گرایی»[۷] را می‌توان از علل

---

۱. بیهقی در کتاب ***دلائل النبوة*** گزارش‌هایی را با عنوان «باب اعترافات مشرکان قریش به رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)» اختصاص داده است. این گزارش‌ها بیانگر این مطلب است که برخی از مشرکان و به‌خصوص برخی از سران قریش، پیامبر اعظمﷺ را در دعوی رسالت صادق می‌دانستند، اما به‌خاطر برخی عوامل، ازجمله برخی سوگیری‌ها نه‌تنها حضرت را تصدیق نکردند، بلکه تا آنجا که توانستند ضمن پافشاری بر عقاید باطل خویش در مقابل دعوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، کارشکنی کردند. (بیهقی، ***دلائل النبوة***، ج ۲، ص ۲۰۸ ـ ۱۹۸)

۲. ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۱، ص ۳۱۶ ـ ۳۱۵.

۳. ابن‌جوزی، ***المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک***، ج ۳، ص ۳۴۰.

۴. ابن‌حجر عسقلانی، ***الإصابة فی تمییز الصحابه***، ج ۲، ص ۳۴۱.

۵. اعتمادبه‌نفس کاذب (Overconfidence effect): نوعی سوگیری شناختی است که اطمینان فرد به داوری‌هایش فراتر از دقت عینی آن داوری‌هاست. (رضائیان و دیگران، «الگوی مفهومی تصمیم‌گیری با رویکرد شناختی»، ***فصلنامه تازه‌های علوم شناختی***، ش۱، ص ۲۰ ـ ۱)

۶. اثر دانینگ کروگر (Kruger Effect ـ Dunning): نوعی سوگیریِ شناختی است که در آن، افراد دچار توهم برتری هستند و به اشتباه، توانایی‌شان را بسیار بیش از اندازه واقعی ارزیابی می‌کنند. این جانب‌داری سبب ناتوانی فراشناختی این‌گونه افراد در شناسایی ناتوانی‌شان می‌شود. (همان)

۷. هم‌پوشانی‌گرایی (Shared information bias): نوعی سوگیریِ شناختی است که اعضای جمع تمایل دارند بیشتر درباره موضوعاتی که برای همه آشناست، گفت‌وگو کنند و کمتر برای موضوعاتی وقت صرف کنند که برخی اعضا از آن آگاهی ندارند. (همان)

قشری‌گرایی ذکر کرد. در نتیجه اعتماد به نفس کاذب و اثر دانینگ کروگر، افراد به اندیشه‌ها و باورهایشان اعتماد بیش از حد می‌کنند و این تصور در آنها شکل می‌گیرد که تمام زوایای یک اندیشه و باور را سنجیده‌اند. علاوه بر این، با مقایسه خود با دیگر افراد ناآگاهِ پیرامون خود، دچار توهم دانش درباره خود می‌شوند و لذا دچار قشری‌گرایی می‌شوند. این افراد باتوجه‌به این ویژگی و باتوجه‌به سوگیری هم‌پوشانی‌گرایی، اولاً بیشتر با همفکران خویش هم‌نشین می‌شوند؛ ثانیاً در نشست‌ها و گفت‌وگوهایی که با همفکران خویش دارند، سراغ موضوعاتی می‌روند که مورد قبول همگی باشد. لذا قشری‌گرایی آنان تقویت می‌شود و این قشری‌گرایی نتیجه‌ای جز تحجر نخواهد داشت.

بازخوانی تاریخ زندگانی سران قریش همچون ابوجهل، مؤیدی بر این مطلب است. او در جوانی میان اشراف مکه جایگاهی ویژه یافت. وی درحالی‌که سی سال بیشتر نداشت، به عضویت دارالندوه پذیرفته شد؛ درحالی‌که طبق آداب و رسوم جاهلی، اعضای دارالندوه به‌جز بنی‌قصی می‌بایست بیش از چهل سال می‌داشتند.[۱] کلام وی در دوره جاهلی در بین قریش به‌حدی نافذ بود که به او لقب ابوالحکم[۲] دادند. در نتیجه برای او این پندار شکل گرفت که انسان اندیشمندی است لذا وقتی حضرت محمدﷺ به پیامبری مبعوث شد، وی تا پایان عمر به مخالفت با آن حضرت پرداخت. دشمنی او با پیامبر اعظمﷺ به‌حدی بود که حضرت به او لقب فرعون قریش را داد.[۳]

۲. علل و زمینه‌های عقیدتی و فکری

۲ـ۱. ترک تفکر و عقلانیت

تفکر و عقلانیت در انسان سبب پویایی اندیشه و تشخیص حق از باطل می‌گردد و نبود آن سبب رکود و سکون در فکر و اندیشه و در نتیجه جمود و تحجر. همین امر سبب گردیده است خداوند متعال در قرآن کریم بر مذمت و نکوهش ترک عقلانیت تأکید فراوانی داشته باشد و کسانی را که اهل تعقل نیستند، بدترین جانوران و شقی‌ترین مردم معرفی کند.[۴] لذا به استناد آیات متعددی در قرآن کریم ـ همچون آیاتی که در رد استدلال‌های مشرکین است[۵] ـ می‌توان مهم‌ترین علت معرفتی نهادینه شدن تحجر در بین افراد جامعه را ترک تفکر و عقلانیت دانست. امام علیؑ نیز در خطبه‌ای با اشاره به

---

۱. ازرقی، ***اخبار مکه***، ج ۲، ص ۲۵۳؛ ابن‌قتیبه، ***عیون الاخبار***، ج ۲، ص ۲۳۰.
۲. زرکلی، ***الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین***، ج ۵، ص ۸۷.
۳. واقدی، ***المغازی***، ج ۱، ص ۹۵.
۴. انفال: ۲۲.
۵. ر. ک: هاشمی رفسنجانی، ***فرهنگ قرآن***، ج ۲، ص ۲۹۳، مدخل احتجاج.

تاریخ عرب جاهلی، علت تحجر آنان را همین مسئله بیان کرده است.[۱] طبق بیان حضرت، فقدان تفقه در دین و تعقل نکردن در توحید سبب تحجر عرب جاهلی گردید. براساس سخن حضرت، انسان متحجر در جامعه همانند تخم مار افعی در لانه شترمرغ است؛ چرا که ظاهر زیبای متحجر امکان تشخیص هویت او را سخت می‌کند و تنها در طول زمان و در گذر حوادث است که زشتی و پلیدی‌اش آشکار می‌گردد؛ همانند مار افعی که در لانه پرندگان از تخم بیرون می‌آید.[۲] خوارج نمونه بارز این مثال در دوره امیرالمؤمنین علیه السلام بودند. آنها اهل تفکر و عقلانیت نبودند و به همین دلیل، حضرت آنان را انسان‌هایی سبک‌مغز و نابخرد توصیف می‌کند.[۳]

با وجود این، آنها به‌واسطه کثرت عبادت و تهجد، جایگاه ویژه‌ای در جامعه یافته بودند و همین امر سبب گردید عموم افراد جامعه تا قبل از خروج آنها در دوره حکومت امام علی علیه السلام، متوجه خطر آنان برای جامعه اسلامی نشوند. شهید مطهری نیز با اشاره به همین موضوع می‌فرماید: «علة‌العلل تحجر، عقل‌گریزی و مطلق‌اندیشی و جزم‌گرایی است و علة‌العلل رهایی از تحجر نیز عقلانیت دینی و عقل‌گرایی مثبت و متعادل و متناظر به همه وجوه اسلام است».[۴] باورها، آداب و سنن عرب جاهلی کاملاً بازگوی دوری آنها از تعقل و تفکر است. به همین سبب، خداوند متعال در قرآن کریم بارها عرب را به‌واسطه همین امر مؤاخذه و بازخواست می‌کند.[۵]

خوارج علاقه فراوانی به سیره و منش عمر بن خطاب داشتند؛ تا آنجا که پیروی خود از امام علی علیه السلام را مشروط به این کردند که حضرت با آنها همچون عمر رفتار کند؛[۶] یا در سخنی دیگر، فردی از خوارج در پاسخ به قیس بن سعد بن عباده گفت: حق برای ما آشکار است؛ ما هرگز تابع آنها نیستیم تا اینکه همچون عمر کسی را بیاورید.[۷] این مسائل نشان از ترک عقلانیت و دوری از تفکّر است.

---

۱. وَ لَا تَكُونُوا كَجُفَاةِ الْجَاهِلِيَّةِ، لَا فِي الدِّينِ يَتَفَقَّهُونَ وَ لَا عَنِ اللَّهِ يَعْقِلُونَ، كَقَيْضِ بَيْضٍ فِي أَدَاحٍ يَكُونُ كَسْرُهَا وِزْراً، وَ يُخْرِجُ حِضَانُهَا شَرّاً. (سید رضی، ***نهج‌البلاغه***، خ ۱۶۶)

۲. در شرح این مطلب بیان شده است که مار افعی در لانه شترمرغ تخم‌گذاری می‌کند و به‌دلیل شباهت تخم این حیوان با تخم پرنده، امکان تشخیص تخم افعی از دیگر تخم‌ها وجود ندارد و لذا شترمرغ بدون اینکه بداند، از تخم افعی مانند دیگر تخم‌های خویش محافظت می‌کند و تنها وقتی متوجه تخم افعی در لانه خویش می‌شود که افعی از تخم خارج می‌گردد.

۳. أَنْتُمْ مَعَاشِرُ أَخِفَّاءُ الْهَامِ سُفَهَاءُ الْأَحْلَامِ. (سیدرضی، ***نهج‌البلاغه***، خ ۳۶)

۴. مطهری، ***مجموعه آثار***، ج ۲۱، ص ۱۶۴ ـ ۱۵۸.

۵. به‌عنوان نمونه: انعام: ۵۰ و ۳۲.

۶. بلاذری، ***فتوح البلدان***، ج ۱، ص ۳۹۶.

۷. همان، ج ۲، ص ۳۷۱؛ ابن‌قتیبه دینوری، ***اخبارالطوال***، ص ۲۰۷.

۲ـ۲. پیروی از ظن (غیر علم)

پیروی از غیر علم، یکی دیگر از علل و زمینه‌های تحجر است. آیات متعددی در قرآن کریم بر این مسئله دلالت دارد؛ به‌عنوان نمونه در آیه ۲۸ سوره نجم در توصیف مشرکان و عرب جاهلی، بیان شده است که آنها هیچ علمی ـ به آنچه می‌گویند ـ ندارند و فقط از ظن تبعیت می‌کنند و این در حالی است که ظن هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌کند.[۱] مطالعه سرگذشت متحجران در ادوار مختلف تاریخی، گواهی دیگر بر این مدعاست. به‌عنوان نمونه خوارج پس از ماجرای حکمیت مدعی شدند کسی که مرتکب گناه کبیره شود کافر است؛ اگرچه ایمان قلبی به اسلام داشته باشد و اعمال عبادی را انجام دهد؛ در نتیجه مال و جانش احترام ندارد. آنان بر همین اساس ریختن خون هر مسلمانی را که هم‌نظرشان نبود حلال می‌شمردند. امام علی‌علیه‌السلام در بیانی ضمن تبیین کوته‌بینی آنان فرمودند: «پس اگر چنین می‌پندارید که من خطا کرده و گمراه شده‌ام، پس چرا همه امت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله را به گمراهی من گمراه می‌دانید و خطای مرا به‌حساب آنان می‌گذارید و آنان را برای خطای من کافر می‌شمارید، شمشیرها را بر گردن نهاده، کورکورانه فرود می‌آورید و گناهکار و بی‌گناه را به هم مخلوط کرده، همه را یکی می‌پندارید».[۲]

۲ـ۳. حس‌گرایی

منحصر دانستن راه‌های درک و فهم در ماده و طبیعت را حس‌گرایی می‌نامند.[۳] انسان‌ها به‌صورت معمول، سروکارشان با حس و محسوسات است و به مادیات انس و عادت دارند؛ لذا به معقولات و ذهنیات خود قالب حسی می‌دهند؛ هرچند که حس و خیال راهی به درک آن ندارد.[۴] این موضوع را می‌توان یکی از علل مهم معرفتی دانست که انسان‌ها را به سمت تحجر و قشری‌گرایی سوق می‌دهد و از پذیرش امور عقلی و منطقی بازمی‌دارد. برخی آیات در قرآن کریم ـ گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل[۵] و درخواست رؤیت خدا[۶] و درخواست بت به‌عنوان خدا[۷] ـ به صراحت به این موضوع اشاره می‌کند. از صدر اسلام تاکنون نیز

---

۱. «ان الظن لا یغني من الحق شیئا» ـ کلمه «حق» به معنی واقعیت هر چیز است، و همه می‌دانیم که واقعیت هر چیزی جز به علم یعنی اعتقاد مانع از نقیض، و یا به عبارت دیگر احتمال صد درصد درک نمی‌شود، و غیر علم که یا ظن است و یا شک و یا وهم، واقعیت چیزی را نشان نمی‌دهد، پس هیچ مجوزی نیست که انسان در درک حقایق به آن اعتماد کند، خدای تعالی هم فرموده: «و لا تقف ما لیس لک به علم». (طباطبائی، ***المیزان***، ج ۱۹، ص ۶۴)

۲. سیدرضی، ***نهج‌البلاغه***، خ ۱۲۷.

۳. طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱، ص ۳۶۷ ـ ۳۶۶.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۴۰۵.

۵. نساء: ۱۵۰.

۶. بقره: ۵۵.

۷. اعراف: ۱۳۸.

گرایش به محسوسات، یکی از علل مهم گرایش به تحجر و قشری‌گرایی بوده است؛ چنان‌که عرب جاهلی با تمسک به همین مبنا، در مقابل استدلال‌های نبوی، معاد را انکار، و بر عقاید باطل خود پافشاری می‌کردند. شاهد بر این مطلب، آیات متعددی است که دلایل مخالفت عرب جاهلی با دعوت نبوی را تبیین می‌کند. این آیات به این شرح است:

۱. در آیه ۲۹ سوره انعام به نقل از مشرکان آمده است: «زندگی دیگری غیر از همین زندگی دنیوی وجود ندارد و ما هرگز [پس از مرگ] برانگیخته نمی‌شویم». براساس این آیه، عرب جاهلی زندگانی انسان را منحصر در این دنیا می‌دانستند و نمی‌توانستند بپذیرند که معاد و دنیای دیگری نیز هست؛ که این مطلب در نتیجه جمود ذهنی آنها بر حس‌گرایی بود.

۲. در آیه ۲۴ سوره جاثیه نیز از قول مشرکان آمده است: «زندگی دیگری غیر از همین زندگی دنیوی وجود ندارد که همواره می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را جز مرور زمان نمی‌کشد». مسعودی در ***مروج الذهب*** تصریح می‌کند که این آیه، اشاره به عقیده برخی از عرب جاهلی است.[۱] هشام بن محمد کلبی در مورد این آیه آورده است:

> این آیه اشارت دارد بر اینکه آن گروه از عرب جاهلی سبب حیات و موت را بر طبایع محسوسه مقصور می‌داشتند، و به ترکیب طبایع و تحلیل عناصر بقا و فنای عنصری محصور می‌شمردند. پس جامع را «طبع»، و مهلک را «دهر» می‌گفتند.[۲]

این آیه تبیین‌کننده این مطلب است که عرب جاهلی در اثر تعصبی که به حس‌گرایی داشتند، اعتقادات دهریه[۳] را بیان می‌کردند. عبدالله بن ابی، ابی بن خلف و عاص بن وائل سهمی کسانی هستند که طبری تصریح می‌کند عقیده دهری داشتند.[۴]

۳. در آیه ۴۹ سوره اسراء و آیه ۸۲ سوره مؤمنون نیز به نقل از مشرکان مکه آمده است: «آیا هنگامی که ما مشتی استخوان‌ها و اعضای پوسیده شدیم، به‌صورت آفریده‌ای تازه، برانگیخته خواهیم شد؟» ابن‌هشام این آیه را جزء مواردی ذکر کرده است که عرب جاهلی با آن، پیامبر را استهزا می‌کردند.[۵] طبری در تفسیر آیه ۸۲ سوره مؤمنون بیان می‌کند که عرب جاهلی به ادله و احتجاجاتی که بر قدرت

---

۱. مسعودی، ***مروج الذهب و معادن الجوهر***، ج ۲، ص ۱۰۳.
۲. کلبی، ***کتاب الأصنام (تنکیس الأصنام)***، ص ۴.
۳. ایزدخواه، ***بررسی و تحلیل آیات جامعه‌شناختی عصر جاهلیت***، ص۴۰۴، به نقل از: الثعالبی، ***محاضرات فی تاریخ المذاهب***، ص ۷۰.
۴. طبری، ***جامع البیان***، ج ۲۳، ص ۲۱.
۵. ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۱، ص ۳۱۷.

الهی دلالت داشتند، توجه نمی‌کردند و فقط به‌تبع اسلافشان بیان می‌کردند که آیا وقتی از بدن ما جز مقداری خاک و استخوان باقی نماند، دوباره زنده می‌شویم؟[۱]

۴. آیات متعدد دیگر: یس / ۷۸ و ۷۹؛ نحل / ۳۸؛ اسراء / ۹۸؛ صافات / ۱۶؛ حج / ۵؛ رعد / ۵؛ مؤمنون / ۳۵؛ نحل / ۶۷؛ سجده / ۱۰۰ و دخان / ۳۴. این آیات را می‌توان دلیلی بر اثبات حس‌گرایی عرب جاهلی دانست.

از مجموع این آیات می‌توان نتیجه گرفت که تنها منبع شناخت عرب جاهلی، حس بوده و بر همین اساس از پذیرش غیب، سر باز می‌زدند و هرگونه ادعایی درباره آخرت و امور غیرمشهود را دروغ و امری غیرواقعی و نادرست می‌دانستند و مدعیان آن را به دیوانگی و غیرعقلانی بودن متهم می‌کردند. این افراد با مبنا قرار دادن حس‌گرایی و توجه نکردن به دلایل و مبانی عقلی، دچار جمود و قشری‌گرایی در اندیشه‌های باطل خویش می‌شدند و برای دفاع از اندیشه‌های باطلشان خود را به هلاکت می‌انداختند و هر جنایتی را جایز می‌شمردند.[۲]

در دوره معاصر، جریان فکری سلفیت که یکی از جریان‌های اعتقادی پرنفوذ در جهان اسلام است، باورهایی که به‌تبع ابن‌تیمیه و پیروانش ترویج می‌دهند، بر مبانی معرفتی حس‌گرایی و حس‌محور استوار است و هرگونه شناخت ناظر به غیرمحسوسات و غیرمتخیلات را نفی می‌کند. بسیاری از باورهای سلفیت مانند تحقیر عقل و تضعیف احادیثی که در ستایش عقل وارد شده است، ریشه در مبانی حس‌گرایی سلفیت دارد.[۳]

ابن‌تیمیه، به‌عنوان کسی که جایگاه ویژه‌ای در میان جریان سلفی دارد، تصریح می‌کند: «اهل‌سنت و جماعت ـ کسانی که معترف‌اند خداوند با چشم سر دیده می‌شود ـ اتفاق‌نظر دارند چیزی که شناختش با هیچ‌یک از حواس ممکن نباشد، به‌طور قطع معدوم و غیرموجود است. پس هر موجودی بایستی مورد ادراک حسی قرار بگیرد».[۴] ابن‌تیمیه حتی جهمیه را به این دلیل که معتقد بودند خداوند با حواس پنج‌گانه شناخته نمی‌شود، محکوم می‌کرد؛ چراکه به عقیده وی این مطلب، مستلزم معدوم بودن خداوند است.[۵]

---

۱. طبری، ***جامع البیان***، ج ۱۸، ص ۳۶.

۲. شاهد بر این سخن، گزارش‌های متعدد تاریخی درباره اعمال جنایت‌آمیز عرب جاهلی، علیه مسلمانان و پیامبر اکرم ﷺ است. شکنجه و قتل یاسر و سمیه، پدر و مادر عمار، و شکنجه عمار و بلال حبشی، تصمیم به قتل پیامبر اعظم ﷺ در مکه و در نهایت، اقدام به توطئه و جنگ‌های متعدد علیه پیامبر و مسلمانان بعد از مهاجرت به مدینه، تنها نمونه‌هایی از اقدامات عرب متحجر است.

۳. عزیزی علویجه، «رهیافتی تطبیقی به «حس‌گرایی سلفی» و «حس‌گرایی تجربی»، ***حکمت اسلامی***، دوره ۶، ش۱، ص ۱۴۰ ـ ۱۱۷.

۴. همان به نقل از: ابن‌تیمیه، ***بیان تلبیس الجهمیه فی تأسیس بدعهم الکلامیه***، ج ۲، ص ۳۴۱ و ج ۳، ص ۴۵۴.

۵. همان به نقل از: ابن‌تیمیه، ***بیان تلبیس الجهمیه فی تأسیس بدعهم الکلامیه***، ج ۴، ص ۳۲۰.

در تاریخ معاصر ایران اسلامی نیز برخی افراد با ادعای روشن‌فکری و تجدد، به‌تبع غرب ــ کاملاً پایبند به حس‌گرایی بودند ـ به مخالفت با مبانی دینی پرداختند و علت اصلی عقب‌ماندگی را پیروی از دین می‌دانستند. به‌عنوان نمونه آخوندزاده توصیه می‌کند که مردم، خود را از عبودیت الهی برهانند و به آزادی لیبرالیستی روی آورند.[1] این جریان به‌اصطلاح روشن‌فکر در طول تاریخ معاصر صدمات فراوانی به فرهنگ ایرانی اسلامی وارد کردند. در اوایل انقلاب نیز دولت موقت که اعضای آن با عنوان ملی مذهبی فعالیت می‌کردند، سعی کردند همان مسیر اسلاف خویش را در بطن انقلاب اسلامی در پیش گیرند.

نتیجه

تحجر از موانع اساسی پذیرش حق و چالشی برای حکومت‌های بر حق است. متحجرین با تعصب و کج‌فهمی هزینه زیادی بر حکومت‌های حق، تحمیل می‌کنند. تحجر تفکر همراه با جمود، قشری‌گرایی، تعصب و ارتجاع است. برای مواجهه صحیح با این گروه باید عوامل پیدایش و گرایش به چنین تفکری را شناسائی و مطابق آن عوامل درصدد تدبیر و مدیریت تعامل با آنان بر آمد. عوامل متعددی سبب گرایش افراد جامعه به این نوع تفکر می‌گردد. در پژوهش حاضر عوامل روانی و عقیدتی گرایش به تحجر با تکیه بر عقل و داده‌های تاریخی تبیین گردید. براساس پژوهش حاضر لجاجت و سرکشی در پذیرش حق، تصلب و انعطاف‌ناپذیری شناختی و برخی سوگیری‌های شناختی؛ علل و زمینه‌های روانی گرایش به تحجر هستند و ترک تفکر و عقلانیت، پیروی از ظن (غیر علم) و حس‌گرایی علل عقیدتی و فکری گرایش به تحجر به‌شمار می‌روند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

سیدرضی، ***نهج‌البلاغه***.

۱. ابن‌تیمیه، احمد عبدالحلیم، ***بیان تلبیس الجهمیة فی تأسیس بدعهم الکلامیة***، ج۲، المدینة المنورة، مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف، ١٤٢٦ ق.

۲. ابن‌جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، ***المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک***، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ط الأولی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١٢ ق.

---

۱. آخوندزاده، ***الفبای جدید و مکتوبات***، ص ۵۶.

۳. ابن‌حجر العسقلانی، احمد بن علی، ***الإصابة فی تمییز الصحابة***، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، ط الأولی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١٥ ق.

٤. ابن‌قتیبه دینوری، ***اخبار الطوال***، تحقیق عبدالمنعم عامر، القاهرة، دار احیاء کتب العربیة، ١٩٦٠ م.

٥. ابن‌کثیر الدمشقی، اسماعیل بن عمر، ***البدایة و النهایة***، بیروت، دار الفکر، ١٤٠٧ ق.

٦. ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، الطبعة الاولی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٤ ق.

٧. ابن‌هشام الحمیری المعافری، عبدالملک، ***السیرة النبویة***، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفة، بی‌تا.

٨. آخوندزاده، میرزا فتحعلی، ***الفبای جدید و مکتوبات***، گردآوری حمید محمدزاده، باکو، نشریات فرهنگستان علوم شوروی، ١٩٦٣ م.

٩. ازرقی، محمد بن عبدالله، ***اخبار مکه***، به کوشش رشدی صالح ملحس، مکه، دار الثقافه، ١٩٦٥ م.

١٠. انوری، حسن، ***فرهنگ بزرگ سخن***، تهران، سخن، ١٣٨١ ش.

١١. ایزدخواه، محمدابراهیم، ***بررسی و تحلیل آیات جامعه‌شناختی عصر جاهلیت***، تهران، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران، ١٣٩٣ ش.

١٢. بلاذری، ابوالحسن، ***فتوح البلدان***، بیروت، دار و مکتبة الهلال، ١٩٨٨ م.

١٣. بیرامی، منصور و دیگران، «سوگیری شناختی پردازش اطلاعات هیجانی در افراد مضطرب، افسرده و عادی»، ***فصلنامه روانشناسی شناختی***، ش ٤، ص ٦٠ ـ ٥١، ١٣٩٣ ش.

١٤. بیهقی، احمد بن حسین، ***دلائل النبوة***، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، ط الأولی،بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤٠٥ ق.

١٥. پژوهی‌نیا، شیما و دیگران، «تبیین مشکلات روانی مبتنی بر انعطاف‌پذیری شناختی و تمایزیافتگی خود»، ***قبسات***، ش ٣، ص ٢٧ ـ ١٨، ١٣٩٥ ش.

١٦. جمعی از نویسندگان، ***دین و دینداری در عصر حاضر***، تهران، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، ١٣٨١ ش.

١٧. خشوعی، مهدیه سادات، «انعطاف‌پذیری از دیدگاه روان‌شناسی تحولی»، ***پژوهش‌نامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد***، ش ١٩، ص ٩٣ ـ ٦١، ١٣٨٨ ش.

۱۸. دانش، محمد قدیر، «موانع معرفتی رشد علم در حوزه علمیه قم»، ***نشریه حوزه***، ش ۵۰، س ۲۵، ص ۱۳۳ ـ ۹۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۸.

۱۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، «ممیزات خوارج و خارجی گری در نهج‌البلاغه»، ***پژوهش‌های نهج‌البلاغه***، ش ٤٤، ص ٤٠ ـ ٧، بهار ١٣٩٤.

۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، ***لغت‌نامه دهخدا***، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۹ ش.

۲۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، ***المفردات فی غرایب القرآن***، تحقیق و ضبط صفوان عدنان داودی، دمشق، دار العلم الدار الشامیة، ١٤١٢ ق.

۲۲. رضائیان، صهبا، سید کمال خرازی و دیگران، «الگوی مفهومی تصمیم‌گیری با رویکرد شناختی»، ***فصلنامه تازه‌های علوم شناختی***، ش ۱، ص ۲۰ ـ ۱، ۱۳۹۸ ش.

۲۳. زرکلی، خیرالدین، ***الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین***، ط الثامنة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹.

٢٤. سرخوندی، جهانگیر، ***بررسی مفهوم تحجر و قشری‌گری در قرآن و نهج‌البلاغه***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمانشاه، دانشگاه رازی، ۱۳۸۹.

۲۵. سلیمانی، جواد، «تحجرگرایی و راهکارهای امام علی‌علیه‌السلام در تحجرزدایی»، ***مبلغان***، ش ۹۵، ص ١٦ ـ ٨، شهریور و مهر ١٣٨٦.

٢٦. سلیمی، محمد، ***پدیده دگماتیسم دینی ـ مذهبی و مواجهه با آن از منظر قرآن و روایات***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده اصول‌الدین، ۱۳۹۲.

۲۷. صانعی، مهدی، «۲۲ سوگیری شناختی و خطای ذهنی (روانی) در کمین مدیران»، جهت مطالعه به لینک ذیل مراجعه کنید: http://karokarafarini.ir

۲۸. طباطبایی، سید محمدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ١٤١٧ ق.

۲۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ***جامع البیان***، تحقیق احمد حبیب قصر العاملی، بی‌جا، مکتب الاعلام الاسلامی، ١٤٠٩ ق.

۳۰. عزیزی علویجه، مصطفی، «رهیافتی تطبیقی به «حس‌گرایی سلفی» و «حس‌گرایی تجربی»»، ***حکمت اسلامی***، دوره ٦، ش ۱، ص ۱٤۰ ـ ۱۱۷، ۱۳۹۸ ش.

۳۱. کلبی، هشام بن محمد، ***کتاب الأصنام (تنکیس الأصنام)***، تحقیق احمد زکی باشا، چ ۲، افست تهران (همراه با ترجمه)، نشر نو، ۱۳٦٤ ش.

۳۲. مسعودی، أبوالحسن علی بن الحسین بن علی، ***مروج الذهب و معادن الجوهر***، تحقیق اسعد داغر، چ ۲، قم، دار الهجرة، ۱٤۰۹ ق.

۳۳. مصطفوی، حسن، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، چ ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳٦۸ ش.

۳٤. مطهری، مرتضی، ***مجموعه آثار***، تهران، صدرا، بی‌تا.

۳۵. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، ***فرهنگ قرآن***، قم، بوستان کتاب، بی‌تا.

۳٦. واقدی، محمد بن عمر، ***المغازی***، تحقیق مارسدن جونس، ط الثالثة، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱٤۰۹ ق.